

تاریخچه روابط ایران و مصر

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۱۷

با مرگ ناصر، معاون وی انورسادات، قدرت را در دست گرفت. این تحولات سبب شد تا شاه ایران مناسبات از دست رفته خود در دوران ناصر را با نزدیک شدن به سادات جبران کند.

با مرگ ناصر، معاون وی انورسادات، قدرت را در دست گرفت. این تحولات سبب شد تا شاه ایران مناسبات از دست رفته خود در دوران ناصر را با نزدیک شدن به سادات جبران کند.

انگیزه‌های چندی نیز در این تصمیم به شاه کمک می‌کرد. در واقع از آخرین روزهای حیات ناصر کسی بر کرسی زمامداری مصر تکیه زده بود که مانند شاه ایران مشتاق رابطه با اسرائیل بود، هرچند که در آن دوره به اقتضای شرایط سیاسی جرات علنی ساختن این اشتیاق را نداشت.

در پی مرگ عبدالناصر، به دستور شاه، هویدا (نخست وزیر وقت ایران) در مراسم تشییع جنازه ناصر در قاهره شرکت کرد و زمینه توسعه روابط آتی را فراهم آورد. سادات نیز در پاییز ۱۳۵۰ به تهران آمد و شرایط سیاسی برای از سرگیری همکاری‌ها و مناسبات دو کشور مهیا شد.

مرگ ناصر و به قدرت رسیدن سادات باعث شد تا دولت مصر در جنگ علی‌رغم خشم و کینه ضدصهیونیستی مردم و بسیاری از نیروهای مسلمان ارتش مصر تمایلی به ادامه آن نداشته باشد. بر این اساس این جنگ بلافاصله با اعلام آتش بس سازمان ملل و پذیرش آن از سوی سادات و در حالی که تمامی صحرای سینا در اشغال صهیونیست‌ها بود، خاتمه یافت.

در خلال جنگ رمضان مبارزه با مسلمانان مصری نیز از سر گرفته شد. سادات از اواسط دهه ۵۰ تدریجاً به پرچمدار مبارزه علیه اسلام‌گرایی در شمال آفریقا تبدیل شد. او نیروهای بسیاری به سودان فرستاد تا به «جعفرنمیری» که با جنبش اسلامی «المهدی» درگیر بود، یاری رساند.

حسنی مبارک نیز که در آن زمان فرمانده نیروی هوایی مصر بود، در حملات هوایی علیه نیروها و مناطق مربوط به جنبش صادق المهدی نقش به‌سزایی ایفا کرد. چندین هزار تلفات انسانی نیروها و هواداران این جنبش را، به حساب حملات هوایی حسنی

مبارک گذارده‌اند. مبارک در ۴ سال اول زمامداری‌اش که با آخرین سال‌های حکومت نمیری مقارن بود، روابط صمیمانه‌ای را با او داشت و نمیری پس از سرنگونی، مدت ۱۴ سال در مصر پناه گرفت.

اگر جمال عبدالناصر مبارزه با مسلمانان را به صورت مخفی و با توجیهات عوام‌فریبانه انجام می‌داد، سادات شمشیر را از رو کشیده و علناً سخن از بستن مساجد، قلع و قمع روحانیون و حتی سرکوب مخالفین اسرائیل به میان آورد.

سادات در تابستان ۱۳۵۹ در جمع مفتی‌های درباری مصر طی سخنانی عملکرد گروه‌های اسلامی مصر از جمله سازمان اسلامی الجهاد، سازمان اخوان المسلمین، سازمان حمایت اسلامی و... را مغایر با احکام اسلام دانسته و دین اسلام را دینی صلح‌دوست معرفی کرده بود و از جانب دیگر در همان حال بر ضرورت جدایی دین از سیاست تاکید می‌کرد.

چهار سال پس از جنگ رمضان، هنگامی که سادات در پاییز ۱۳۵۴ در ناباوری ملت‌های مسلمان به اسرائیل سفر کرد، شاه ایران بعد از کارتر دومین رئیس‌کشوری بود که این سفر را مورد حمایت قرار داد.

شاه از مشوقان سادات در این سفر و در تلاش‌های قاهره برای صلح با صهیونیستها بود. هنگامی که سادات در ۲۵ خرداد ۱۳۵۵ به تهران آمد، شاه تلاش کرد تا وی را به برقراری رابطه سیاسی با رژیم صهیونیستی متقاعد سازد. مقامات قاهره بعدها به حمایت‌های شاه از سادات در ایجاد روابط با صهیونیستها اذعان کردند.

به همین دلیل سفر سادات به بیت‌المقدس که یکسال بعد صورت گرفت و همچنین پیمان کمپ دیوید که متعاقب آن در امریکا منعقد شد، از ابتدای شکل‌گیری تا مراحل نهایی آن، مورد حمایت شاه قرار داشت. به همین دلیل بود که پس از امضای این پیمان، حسنی مبارک از سوی سادات برای ارائه گزارشی به شاه ایران وارد تهران شد.

سفر سادات به بیت‌المقدس و سپس انعقاد پیمان کمپ دیوید مقارن با وقوع انقلاب اسلامی ایران بود. از این رو با پیروزی انقلاب، روابط تهران با قاهره در اعتراض به انعقاد این معاهده قطع شد.

انقلاب اسلامی، انقلابی ضدصهیونیستی و ضدامریکایی بود و طبعاً نمی‌توانست رابطه مثبتی با حکومت سادات که سرسپرده صهیونیستها شده بود داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران ۲ ماه پس از پیروزی انقلاب و ۹ سال پس از بازگشایی مجدد مناسبات تهران و قاهره، روابط خود را با مصر به دستور امام خمینی (ره) قطع کرد.

گرچه در دستورالعمل حضرت امام به وزیر خارجه وقت برای قطع رابطه با مصر، تنها به پیمان کمپ دیوید اشاره شده ولی تا آن زمان رژیم سادات خصومت‌های دیگری نیز با جمهوری اسلامی ایران داشته است. از جمله این خصومت‌ها می‌توان به پذیرایی سادات از شاه ایران در کشاکش انقلاب و خودداری از تحویل وی، دشمنی و ستیزه‌جویی با انقلاب اسلامی ایران و واگذاری پایگاه

نظامی به امریکا برای استفاده از آن درحمله به خاک ایران، اشاره کرد.

علاوه بر این سادات تبلیغ بسیاری در مصر علیه انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) به راه انداخته بود. وی در مصر به جان کسانی افتاده بود که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران جانی دوباره یافته بودند و با تظاهرات خود در خیابانهای قاهره و دیگر شهرهای عمده مصر، حمایت خود را از انقلاب اسلامی ابراز می کردند.

با این حال امام خمینی(ره) در حکم خود مبنی بر قطع رابطه با قاهره به هیچ یک از این دشمنی‌ها اشاره نکرد و تنها پیمان کمپ دیوید را که خیانتی به کل جهان اسلام بود، مورد اشاره قرار داد.

فرمان امام خمینی به فاصله ۵ هفته بعد از امضای پیمان کمپ دیوید میان انورسادات (رئیس جمهور وقت مصر) و مناخم بگین (نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی) صادر شد.

در پی صدور این فرمان، روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و مصر در اعتراض به سازش قاهره با صهیونیستها قطع شده و هنوز این رابطه به طور رسمی بازگشایی نشده است. بر این اساس در تاریخچه مناسبات دو کشور، عامل «گرایش به صهیونیسم» همواره عنصر بازدارنده و تخریب کننده روابط به شمار می رود.

آژانس خبری روز

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۰۳۰۱/مصر-ایران-روابط-تاریخچه>